

## جایگاه نهاد توبه در سقوط مجازات حد از منظر فقه و قانون

علی آقاپور  
دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

یعقوب پورجمال  
استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

**چکیده:** مسئله توبه، یکی از آموزه های تربیتی و اخلاقی و مهم قران کریم و روایات اسلامی است و در شرع مقدس اسلام از جایگاه و منزلت ویژه ای برخوردار است. حقیقت توبه، بازگشت انسان به سوی خداست، و واکنشی است از سوی انسان به رفتار ناشایست خویش که عمر خود را در معصیت الهی صرف نموده است. انجام این عمل، اختیاری و ارادی است و از نظر شرع و عقل، واجب و ضروری است و تاخیرش جائز نیست. اخیراً در حقوق کیفری ایران، نیز به تاسی از منابع فقهی نهاد توبه برای جلوگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرمین قانون گذاری شده و در فصل یازدهم بخش دوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ به آن پرداخته شده است. در این مقاله به مفهوم و اهمیت و آثار و نقش توبه در سقوط مجازات حد از منظر فقه و قانون و نیز به نظرات و دیدگاه های فقهای مشهور پرداخته شده است. امید است که مورد توجه و مطالعه دانشجویان محترم و سایر علاقمندان قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** توبه، حد، تعزیر، منصوصات شرعی، حق الله و حق الناس، معاذیز قضایی و قانونی

**طبقه بندی JEL:** طبقه بندی موضوعی مسأله اصلی تحقیق. این طبقه بندی از سایت [http://www.jaml.ir/article\\_251231.html](http://www.jaml.ir/article_251231.html) قابل استخراج است. ضمناً برگردان فارسی این طبقه بندی در سایت فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین، در قسمت "برای نویسندگان" به آدرس [http://www.jaml.ir/article\\_251231.html](http://www.jaml.ir/article_251231.html) موجود می باشد.

## ۱- مقدمه

باتوجه به اینکه، توبه، یکی از درهای رحمت و ریسمان مستحکم خداوند برای نجات و یاری بندگان از معصیت می باشد و انجام آن به دلایل مختلف شرعی و عقلی و قانونی واجب و ضروری است. علمای اسلام نیز دروجوب آن اتفاق نظر دارند و در متن قرآن کریم، مکرراً، مورد امر و تاکید واقع شده است.

از طرف دیگر توبه بالاترین طهارت روحی محسوب و مورد تاکید فراوان شرع و قانون قرار گرفته است، و زیباترین و رساترین وجه ممکن برای عذ خواهی بنده از درگاه خداوند متعال می باشد که در قبال این عمل، خدای کریم نیز ثواب مضاعف و پاداش مطهرین عنایت می کند.

واژ سوی دیگر، بزرگترین و مهمترین مانع آن، هوای نفس و آرزوی طولانی و تسویف و تاخیر افکندن آن میباشد. فلذا ضرورت دارد که در این مقاله، این دستور مهم شرع و قانون، مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

### ۱-۱ توبه

توبه، در لغت از ریشه تاب به معنای رجوع و بازگشت و در اصطلاح به معنای پشیمانی قلبی و استغفار لسانی و ترک جوارحی و عزم جدی برای عدم انجام آن در آینده می باشد ۱۰.

توبه، نخستین گام بنده برای تهذیب اخلاق و سیرالی الله و بازگشت بندگان به سوی کمال و فطرت الهی است. این واژه، مشترک لفظی یا معنوی میان خداوند و بندگان است که هر گاه به بنده نسبت داده شود، با کلمه (الی)، استعمال می شود و به معنای بازگشت بنده از گناه به سوی خداست و هرگاه این واژه به خدا نسبت داده شود، با کلمه (علی) استعمال و به معنای غفران و بخشش خداوند و دادن توفیق توبه به بندگان است.

این واژه و مشتقاتش در قرآن کریم بیش از ۸۰ بار آمده است.

قرآن کریم در آیات متعددی مردم را به توبه و رجوع از گناه، تشویق و ترغیب نموده که اینک به برخی از آنها اشاره می گردد.

۲- قل یا عبادى الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمہ اللہ ان اللہ یغفر الذنوب جمیعاً<sup>۱</sup>

2- و توبوا الی اللہ جمیعاً ایہ المومنون لعلکم تفلحون<sup>۲</sup>

3- یا ایها الذین آمنوا توبوا الی اللہ توبه نصوحاً<sup>۳</sup>

در روایات اسلامی نیز، آثار فراوانی برای توبه ذکر شده که به برخی از آنها اشاره می گردد. ۱- بخشش گناهان ۲- تبدیل سیئات به حسنات ۳- محبوب خدا شدن ۴- رستگاری و آسایش ابدی ۵- افزایش روزی ۶- بازیابی شخصیت.

۱- ابن منظور، لسان العرب ج ۲، ص ۶۱، راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن ص ۱۶۹

۲- زممر/ ۵۳

۳- نور/ ۳۱

۴- تحریم/ ۸

۲- ۱ حد

حد در لغت به معنای مرز و منع، حایل میان دو شیئی و در اصطلاح حقوقی به معنای مجازات و عقوبتی است که موجب نوع و میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس معین شده است ۱

۳- ۱ تعزیر

تعزیر، در لغت به معنای رد و منع و تادیب و در اصطلاح حقوقی، به معنای مجازات و عقوبتی است که شامل حد و قصاص و دیات نمی شود، و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. و ولی نوع و موجب و مقدار کیفیت اجرای آن مشخص نیست و در اختیار دادگاه می باشد.

۴- ۱ منصوصات شرعی

به تعزیراتی اطلاق می شود که در شرع مقدس برای یک عمل حرامی معین شده که مقدار و نوع و کیفیت آن نیز مشخص شده است.

عبارت از امتیاز و اختیار و توانایی که به موجب قانون برای شخص معین شده تا بتواند به وسیله آن از چیزی منتفع شود و به دو قسم تقسیم شود:

الف: حق الناس : حقی که قانون گذار برای افراد جامعه لحاظ نموده است.

ب حق الله: منظور از آن ، حقوق عمومی جامعه که قانون گذار در راستای حفظ مصالح و جلب منافع عمومی و دفع مفساد اجتماعی وضع و پیش بینی نموده است.

#### ۱-۶ معاذیر قانونی و قضایی:

اموری هستند که توسط قانون گذار احصاء و معین شده اند که خاصیت آن ها، از بین بردن تمام مجازات یا کم نمودن مجازاتی است که برای اصل عمل مقرر شده است .

معاذیر بر دو قسم است:

الف- معاذیر قانونی ب: معاذیر قضایی- که البته هر کدام از این ها به معاف کننده و تخفیف دهنده تقسیم میشوند که اعمال معاذیر قانونی ، توسط داد گاه الزامی ولی اعمال معاذیر قضایی اختیاری است. ۱.

زای عمومی ، اردبیلی، محمد علی. ص ۳۰۰ و حقوق جزای عمومی ، باهوی محمد . محمد ص ۳۰۴ و حقوق جزای عمومی ، عظیم زاده، شادی ص ۱۹۳

مجازات اصولاً با اجرای کامل آن ساقط می شوند ولی در برخی موارد ، عوامل دیگری نیز در شرع مقدس و قانون مجازات اسلامی احصا و پیش بینی شده که موجب سقوط مجازات می شود. این موارد در فصل یازدهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ آمده که یکی از آنها توبه مجرم می باشد.

در این فصل سعی شده که نقش توبه را در سقوط مجازات حدود از منظر فقه بطور جداگانه و مفصل مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

مفهوم زنا در قانون مجازات اسلامی ، عبارت است از جماع مرد وزنی که علقه زوجیت بین آنها نباشد و نیز از موارد وطی به شبهه هم نباشد.

پس زناى موجب حد ، با ادخال آلت اصلی مردانگی به فرج زنی که اصالتاً برای وی حرام بوده و بدون وجود عقد نکاح دائمی یا موقت و نیز بدون شبهه، به اندازه حشفه تحقق پیدا می کند. این عمل شنیع با چهار مرتبه اقرار، و شهادت بینة عدول و علم قاضی ثابت می شود . حد آن بر حسب مورد ، قتل ، رجم ، جلد ، حلق ، نفی بلد می باشد. این حد در برخی موارد به موجب نص شرع مقدس و قانون ساقط می شود که اینک به یکی از عوامل سقوط آن که توبه مجرم می باشد ، می پردازیم . با وجود ادله شرعی قرآن کریم ، سنت حضرات معصومین و حکم عقل ، اجماع فقها نیز بر این است که توبه مجرم قبل از اثبات جرم ، موجب سقوط حد می شود. ولی توبه مجرم بعد از اثبات جرم با بینة ، تأثیری در سقوط مجازات ندارد.

۱- علامه حلی در مختلف الشیعه و شیخ طوسی در المقتنه، در این باره چنین می نویسند: «من زنا و تاب قبل قیام البینه علیه بذ لک درأت التوبه عنه الحد ولو تاب بعد قیام الشهاده علیه ، و جب علیه الحد ولم یجز للامام علیه السلام العفو عنه. فان کان اقر علی نفسه عند الامام (ع) ثم اظهر توبته کان للامام الخیار فی العفو عنه او فی اقامه الحد علیه حسب ما یراه من المصلحه و متی لم یتب لم یجز للامام العفو عنه علی حال»

۱- قانون مجازات اسلامی ، ماده ۲۲۱

۲- علامه حلی ، مختلف الشیعه ، ج ۹ ، ص ۱۶۱

ترجمه: «هر کس زنا کند و سپس توبه کند. قبل از قیام بینة حد بوسیله آن ساقط می شود و اگر بعد از قیام شهادت بر آنها توبه کند حد بر آن واجب است و برای امام علیه السلام نیز عفو وی جایز نیست. و اگر شخص اقرار بر عیله خودش نماید سپس توبه کند

امام (ع) اختیار دارد که او را عفو یا حد را برای وی اقامه نماید بر طبق مصلحتی که حاکم صلاح و مصلحت بداند و هرگاه توبه نکند امام (ع) حق ندارد که وی را عفو کند

2- شهید ثانی در شرح لمعه در این باره چنین می نویسد:

«التوبه قبل قیام بینه تسقط الحد الزانی جلدأکان ام رجماً علی المشهور ولا اذا تاب بعدها فانه لا یسقط علی المشهور ولو کانت التوبه قبل القرار الاولی، بالسقوط وبعده یتخیر الامام فی اقامته»<sup>۱</sup>

توبه قبل از قیام بینه، موجب سقوط حد از زانی می شود و فرقی ندارد که حد رجم باشد یا جلد طبق نظر مشهور. زمانی که بعد از قیام بینه توبه کند طبق نظر مشهور حد ساقط نمی شود. و اگر توبه قبل از اقرار باشد اولی سقوط حد است و بعد از آن امام در اقامه حد و اجرای حد، مختار می باشد<sup>۲</sup>

3- حضرت امام خمینی در این باره چنین می فرمایند:

«یسقط الحد لو تاب قبل قیام البینه وجماً کان وله العفو بعد الاقرار كما مرّ ولو تاب قبل الاقرار سقط الحد .

حد ساقط می شود اگر شخص قبل از قیام بینه توبه کند فرقی نمی کند که حد رجم باشد یا جلد و ساقط نمی شود اگر شخص بعد از قیام بینه توبه کند امام (ع) حق ندارد که بعد از قیام بینه او را عفو کند

۴- آیت الله خویی رحمه الله درمبانی تکمله المنهاج در این باره می نویسد:

«لو تاب المشهود علیه قبل قیام البینه فالمشهور سقوط الحد عنه ودلیله غیر ظاهر واما بعد قیامها فلا یسقط بلا اشکال»<sup>۳</sup>

1- شهید ثانی، زین الدین، ج ۲، ص ۳۵۱

2- خمینی، سید روح الله، التحریر الوسیله، ج ۴، ص ۱۸۶

3- خویی، ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، ج ۱، ص ۴۹

ترجمه: اگر مشهود قبل از قیام بینه توبه کند مشهور آن است حد از او ساقط می شود و دلیلش نامشخص است اما بعد از قیام بینه بدون اشکال حد ساقط نمی شود

5- آیت الله مکارم شیرازی در این باره می نویسد:

«اذا تاب قبل اقرار سقط الحد ایضا وهذا المشهور ولو اقر بما موجب الحد ثم تاب کان الامام علیه السلام عفاوا اقامه الحد علیه رجماً کانوا غیره ولا یبعد ثبوت التخییر لخیر امام اصل من نوابه ویسقط الحد لو تاب قبل قیام البینه رجماً کان احد جلدأولاً ویسقط لو تاب بعده ولیس الامام الایعفو بعد قیام البینه وله العفو بعد القرار ولو تاب قبل الاقرار سقط الحد»<sup>۱</sup>

ترجمه: زمانی که شخص قبل از اقرار توبه کند به حد ساقط است و این مشهور بین علماء است و اگر شخص اقرار کند به موجب حد و سپس توبه نماید امام حق دارد که او را عفو و یا اجرای حد نماید و فرقی بین حد رجم و جلد و غیره نیست و بعد نیست برای نواب امام نیز چنین اختیاری باشد و وحد ساقط می شود اگر شخص قبل از قیام بینه توبه کند فرقی ندارد که آن حد رجم باشد یا جلد ولی بعد از قیام بینه ساقط نمی شود و امام علیه السلام نیز حق دارد که بعد از قیام بینه او را عفو کند و یا امام علیه السلام حق دارد ایشان را بعد از اقرار عفو نماید و اگر قبل از اقرار توبه کند حد ساقط می شود.

1- مکارم شیرازی، الحدود و التعزیرات، ج ۱، ص ۲۴۱

۲- حد لواط:

لواط، در قانون مجازات اسلامی عبارت است از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه گاه در دبر انسان مذکر است. ۱ لواط در اصطلاح فقه عبارت است از وطی ذکور به ایقاب و ادخال و غیره است که با چهار مرتبه اقرار و شهادت بینه عدول و علم قاضی ثابت می شود. حد ش قتل است که نوع آن بر حسب مورد، قتل با شمشیر، انداختن از بالای کوه، با آتش سوزاندن، رجم و یا خراب کردن دیوار می باشد.

به اتفاق فقهاء اسلام توبه مجرم، قبل از قیام بینه و قبل از اقرار، موجب سقوط حد می شود و فرقی بین انواع حدها ندارد

واگر بعد از قیام بینه توبه کند، حد ساقط نمی شود و چنانچه بعد از اقرار به آن توبه کند، امام علیه السلام مخیر بین عفو و استیفای حد است.

1- شیخ طوسی و علامه حلی در این باره می فرمایند:

«اذا تاب الابط قبل قیام البینه سقط عنه الحد فان تاب بعد قیامها لم یسقط عنه الحد و جب علی الامام اقامته علیه. وان كان قد اقر علی نفسه ثم تاب وعلم الامام منه ذلك جاز ان یعفو عنه ۲»

ترجمه: هرگاه لائط قبل از قیام بینه توبه کند حد از او ساقط می شود و اگر بعد از قیام بینه توبه کند حد از او ساقط نمی شود و برای امام علیه السلام واجب است که حد را برای وی اجرا کند، و اگر شخص بر علیه خودش اقرار کند و سپس توبه نماید و امام علیه السلام نیز از آن آگاهی و علم داشته باشد، حق دارد که او را عفو کند

2- شیخ مفید در این باره می فرمایند:

«ان تاب بعد قیام البینه علیه كان السطان بالخيار فی العفوعنه والعقاب له وان تاب قبل قیام البینه سقط عنه الحد»

ترجمه: اگر بعد از قیام بینه توبه کند حاکم حق دارد که او را عفویا عاقب نماید و اگر قبل قیام بینه توبه کند حد از او ساقط می شود.

1- قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۳۳

2- علامه حلی مختلف الشیعه، ج ۹ ص ۱۹۲ و النهایه ص ۷۸۰

3- شیخ مفید محمد بن محمد، المقنعه ۷۸۷

3- شهید ثانی در شرح لمعه در این باره می فرمایند:

«لو تاب قبل قیام البینه سقط عنه الحد قتلا كان الحد ام رجماً او جلداً. ولو تاب بعده لم یسقط الحد وكذا لو تاب مع الاقرار ولكن یتخیر الامام فی المقرّبین العفو والاستیفاء كالزنا» ۱

ترجمه: اگر قبل از قیام بینه توبه کند، حد از وی ساقط می شود و فرقی ندارد که حد، قتل یا رجم یا جلد باشد.

حضرت امام خمینی رحمه الله علیه در تحریر الوسیله در این باره می فرمایند:

«لو تاب اللائط ایقاباً و غیره قبل قیام البینه سقط الحد ولو تاب بعده لم یسقط ولو كان الثبوت با اقراره فتاب فللامام عیه السلام العفو والاجرا»

ترجمه: اگر لواط کننده ایقابی و غیره قبل از قیام بینه توبه کند حد ساقط می شود و اگر بعد از قیام بینه توبه کند حد ساقط نمی شود و چنانچه ثبوت آن جرم با اقرار خودش باشد و سپس توبه کند امام علیه السلام در اجرای حد و عفو مجرم مخیر است.

5- آیت الله خویی رحمه الله علیه در این باره می فرمایند:

«اذا تاب الابط قبل قیام البینه فالمشهور انه یسقط عنه الحد ودلیلہ غیر ظاهر ولو تاب بعده لم یسقط بلا اشکال ولو اقر به ولم تکن بینه كان الامام مخیراً بین العفو والاستفا ۳»

ترجمه: هرگاه لائط قبل از قیام بینه توبه کند مشهور آن است که حد از او ساقط می شود و دلیلش غیر ظاهر و نامعلوم است ولی اگر بعد از قیام بینه توبه کند بدون اشکال و خلافی ساقط نمی شود. و اگر اقرار کند و بینه ای در میان نباشد، امام علیه السلام در عفو و استیفای حد، مختار است.

1- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۴، ص ۲۰۰

2- خوئی، ابوالقاسم، ج ۱، ص ۳۴

3- حد مساحقه:

مساحقه در لغت، به معنای اینکه زنی، زن دیگر را وطی کند. و در اصطلاح قانون مجازات اسلامی، عبارت است از اینکه انسان مونث اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد ۱.

حد مساحقه ، صد ضربه شلاق است که در این حد ، فرقی بین فاعل و مفعول ، مسلمان و غیر مسلمان ، محصن و غیر محصن و عفو و غیر عفو وجود ندارد . این جرم با چهار مرتبه اقرار و شهادت بینه عادل و علم قاضی ثابت می شود . علمای اسلام در مورد مساحقه نیز اتفاق و اجماع دارند که توبه مجرم قبل از اثبات جرم ، موجب سقوط مجازات می شود و بعد از قیام بینه ، توبه مجرم ، تاثیری در سقوط حد ندارد .

1-علامه حلی در مختلف الشیعه می گوید : « ان تاب المساحقه ، قبل ان ترفع الی الامام سقط عنه الحد ، فان قامت علیه بعد ذلك البینه لم یقم علیه الحد و ان قامت البینه علیها ثم ثابت بعد ذلك ، اقیم علیه الحد علی کل حال . » ۲

ترجمه : اگر مساحقه کنند قبل از اینکه پیش امام برده شود ، توبه نماید ، حد از او ساقط می شود . اگر چه بعد از آن علیه وی اقامه بینه شود ، حد برای او اقامه نمی شود . و اگر بینه علیه او اقامه شود و سپس توبه کند ، حد علیه او در هر صورت اقامه می شود

2-شیخ مفید در المقنعه ، در این باره چنین می نویسد : « ان تابتا قبل قیام البینه علیها بذلک ، سقط عنها الحد . والعقاب . و ان تابتا بعد قیام البینه علیها ، کان الامام علیه اسلام فی العفو عنها والعقاب لها بالخیار . » ۳

ترجمه : اگر دو شخص مساحقه کنند ، قبل از قیام بینه توبه کند ، عقاب و حد از آنها ساقط میشود . و اگر بعد از قیام بینه توبه نماید ، امام (ع) ، در عفو آن دو و یا اجرای حد برای آنها مختار می باشد .

3-شهید ثانی در شرح اللمعه دمشقیه ، نیز در این باره چنین می نویسد : « و لو تابت قبل البینه سقط الحد ، لا اذا تابت بعد ها و یتخیر الامام ، لو تابت بعد الاقرار ، کالزنا و اللواط . » ۴

1-قانون مجازات اسلامی ، ماده ۲۳۸

2- علامه حلی ، مختلف الشیعه ، ج ۹ ، ص

3- شیخ مفید ، المقنعه ، ص ۷۸۷

4- شهید ثانی ، شرح لمعه ، ج ۲ ، ص ۳۶۳

ترجمه : اگر زن قبل از قیام بینه توبه کند ، حد ساقط است . نه زمانیکه بعد از قیام بینه توبه کند و امام مخیر است ، اگر زن بعد از اقرار توبه کند ، مثل زنا و لواط .

4-حضرت امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله در این باره می فرماید : « یسقط الحد بالتوبه قبل قیام البینه و لا یسقط البعده و لو ثبتت بالاقرار فتابت ، یکول الامام علیه السلام مخیرا کما فی اللواط ، والظاهر ، ان نائبه مخیر ایضا . » ۱

ترجمه : حد ساقط می شود با توبه قبل از قیام بینه ، ولی بعد از قیام بینه ساقط نمی شود . و اگر این عمل با اقرار ثابت شود و سپس زن توبه نماید ، امام (ع) مخیر است که او را عفو یا اجرای حد نماید . همانطوری که در مبحث لواط همینطور می باشد . و ظاهر این است که نائب امام علیه السلام نیز در اجرای حد و عفو وی مختار می باشد .

1- امام خمینی ، سید روح الله ، تحریرالوسیله ، ج ۴ ، ص ۲۰۰

4-2حد قذف:

قذف ، به معنای رمی به زنا و لواط است . و در قانون مجازات اسلامی عبارت است از نسبت دادن زنا یا لوط به شخص دیگر هر چند مرده باشد .

این جرم با دوبر اقرار و شهادت بینه ثابت می شود که حدش ۸۰ ضربه شلاق می باشد و حد قذف ، حق الناس ، و با توبه ساقط نمی شود . ولی عوامل دیگری مثل تصدیق مقذوف ، بینه ، عفو ، لعان ، تقاضا ، موجب سقوط حد می شود . ۱

1-علامه حلی در مختلف الشیعه می فرماید :

«المشهور، ان للمقذوف العفو مطلقاً ولیس للامام عیه السلام ان یعفو عن القاذف علی حال بل ذلك الی المقذوف» ۲

ترجمه : مشهور آن است که برای مقذوف مطلقاً حق عفو دارد و امام علیه السلام چنین حقی ندارد .

2-شهید ثانی در شرح لمعه می فرماید:

«لو تقاذف المحصنان بما يوجب الحد، عزراً ولا حدّ على احدهما لصحيحه ابي ولّاد عن ابي عبدالله عليه السلام: "ويسقط الحد بتصديق المقذوف والبينه والعفوو بلعان الزوج".»<sup>۳</sup>

ترجمه: اگر دو نفر محصن همدیگر را به موجب حد تقاذف نمایند، تعزیر می شود و برای هیچ کدام حدی جاری نمی شود به خاطر روایت صحیح ابي ولّاد از امام صادق علیه السلام و که می فرمایند حد قذف ساقط می شود با تصدیق مقذوف و بینه و عفو و لعان زوجه.

3- امام خمینی رحمه الله علیه در این باره می فرماید:

«اذا ثبت الحد على القاذف لا يسقط عنه الا بتصديق المقذوف ولومره وبالبينه التي يثبت بها الزنا وبالعفو، ولو عفى ثم رجع عنه لا اثر لرجوعه وفي قذف الزوج.....»<sup>۴</sup>

ترجمه: هرگاه حد برای قاذف ثابت شود از وی ساقط نمی شود مگر با تصدیق مقذوف

-قاندن مجازات اسلامی، ۲۴۵م و ۲۶۱

2- علامه حلی، مختلف الشیعه، ج ۹، ص ۲۷۵

3- شهید ثانی، شرح لمعه، ص ۳۶۹

4- خمینی، تحریر الوسیله، ج ۴، ص ۲۱۰

هر چند یک بار باشد و با بینه ای زنا با آن ثابت می شود و با عفو، و اگر عفو کند و سپس از عفو رجوع کند، اثری برای آن رجوع و جو ندارد و در قذف زوجه نیز، حد آن با لعان ساقط می شود.

ایت الله خوئی در این باره می فرماید:

«لا يسقط الحد عن القاذف الا بالبينه المصدقه او بتصديق من يستحق عليه الحد او بالعفو، نعم لو قذف الزوج، زوجته سقط حد القذف باللعان»<sup>۴</sup>

ترجمه: حد از قاذف ساقط نمی شود مگر با بینه یا تصدیق مقذوف یا با عفو، بلی اگر شوهر همسرش را قذف کند، حد قذف وی با لعان ساقط می شود.

5- محمد جواد مغنیه در فقه الامام الصادق علیه السلام در این باره می فرمایند:

«مسقطات حد المقذوف: ۱- می ان تقوم البينه الشرعيه على ثبوت ما رمى به القاذف المقذوف من الزنا واللواط ۲- ان يقر المقذوف بذلك ولو مره واحده ۳- العفو ۴- اللعان ۵- الصلح ۶- انتقال حق المطالبه بالحد من المقذوف الى القاذف بالارث ۷- التقاذف»<sup>۲</sup>

ترجمه: مسقطات حد عبارت است از ۱- اقامه بینه شرعی ۲- اقرار مقذوف ۳- عفو ۴- لعان ۵- صلح ۶- انتقال حق قذف به قاذف ارث ۷- تقاذف.

۵- ۲ حد مسکر:

مصرف مسکر، از قبیل خوردن، تزریق، تدخین، بصورت کم یا زیاد، جامد یا مایع، خالص یا ناخالص، از انواع گندم یا جو، خرما یا عسل یا انگور، موجب حد است. این جرم با دو مرتبه اقرار، شهادت بینه، ثابت میشود. حد آن ۸۰ ضربه شلاق است. این حد به اتفاق فقهای اسلام، با توبه مجرم قبل از اثبات جرم و قیام بینه، ساقط میشود ولی بعد از قیام بینه و بعد از اثبات آن، توبه، تاثیری در سقوط حد ندارد و اگر مجرم بعد از اقرار توبه نماید، امام (ع) در اقامه حد و عفو آن مخیر است.

علامه حلی در مختلف الشیعه و شیخ مفید در النهایه، می گوید:

«من تاب من شرب الخمر او غيره مما يوجب الحد او التاديب قبل قيام البينه عليه، سقط عنه الحد، فان تاب بعد قيام البينه عليه اقيم عليه الحد على كل حال و ان كان قد اقر على نفسه و تاب بعد الاقرار جاز الامام العفو عنه و اقامه الحد له»

ترجمه: هر کس از شرب خمر و غیره به موجب حد و تادیب، قبل از قیام بینه توبه کند، حد از او ساقط میشود و اگر بعد از قیام بینه توبه کند، حد بر او اقامه میشود به هر صورت. و چنانچه شخصی بر علیه خودش اقرار کند و بعد از اقرار توبه

نماید ، امام (ع) حق دارد که او را عفو یا حد را برای او اقامه نماید.

(2) شهید اول و شهید ثانی در شرح لمعه دمشقیه می گویند:

«لو تاب الشارب المسکر قبل قیام البینه علیه سقط الحد عنه ، ولا یسقط الحد لو کانت توبته بعدها . و لو تاب بعد اقراره بالشرب ، یتخیر الامام بین اقامته علیه و العفو[2]».

ترجمه : چنانچه شارب مسکر ، قبل قیام بینه ، توبه کند ، حد از او ساقط میشود ، ولی بعد از قیام بینه ، توبه وی حد را ساقط نمی کند . اگر بعد از اقرار به شرب خمر و مسکر توبه نماید ، امام (ع) ، بین اقامه حد و عفو مجرم ، مخیر می باشد.

(3) امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می فرماید:

«لو تاب الشارب عنه قبل قیام البینه علیه بشریه سقط عنه الحد و لو تاب بعد قیامها ، لم یسقط و علیه الحد . و لو تاب بعد الاقرار فلا یبعد تخیر الامام فی الاقامه و العفو و الاحوط له الاقامه . و بایع الخمر یتتاب مطلقا فان تاب قبل منه و الا لم یتب و رجع استحلاله الی تکذیب النبی صلی الله ، قتل و بایع ما سواها ، لا یقتل و ان باعه مستحلا و لم یتب . ۱»

ترجمه : اگر شارب قبل از قیام بینه ، توبه کند ، حد از او ساقط می شود و اگر بعد از قیام بینه توبه کند ، حد وی ساقط نمی شود و اگر بعد از اقرار توبه کند ، امام علیه السلام در اقامه حد و عفو وی مخیر می باشد و احوط ، اقامه حد برای اوست . و فروشنده خمر ، مطلقا توبه داده می شود و اگر توبه کند ، از وی پذیرفته می شود ، و اگر توبه نکند و حلال شمردن آن ، به تکذیب نبی مکرم منجر شود ، کشته می شود . و فروشنده غیر از شراب و سکر ، کشته نمی شود ، اگر توبه نکنند.

ایت الله خویی می فرمایند : «لو تاب شارب الخمر قبل قیام البینه ، فالمشهور سقوط الحد عنه کلنه مشکل و الاظهر ، عدم السقوط ، و ان تاب بعد قیامها لم یسقط بلا اشکال و لاخلاف . و اذا اقر الشارب الخمر بذلک و لم تکن بینه فلامام مخیر بین العفو و اقامه الحد علیه . ۲»

ترجمه : اگر شارب خمر قبل از قیام بینه ، توبه کند ، مشهور ، سقوط حد از وی می باشد . لکن این مشکل است و اظهر عدم سقوط حد است . و اگر بعد از قیام بینه ، توبه کند ، حد بدون اشکال و خلاف ساقط می شود . و زمانی که شارب خمر نسبت به آن اقرار کند ، امام علیه السلام بین عفو و اقامه حد ، مخیر و مختار می باشد.

(5) محمد جواد معینه ، در این باره چنین مرقوم می نماید:

«اذا تاب الشارب قبل تقوم البینه علی شربه ، سقط الحد . و اذا تاب بعد ها لم یسقط الحد . و اذا تاب قبل الاقرار فلا شی علیه . و اذا تاب بعد الاقرار تخیر الحاکم بین الحد و العفو[3]» .

ترجمه : هرگاه شارب قبل از قیام بینه ، توبه کند ، حد ساقط می شود و اگر بعد از قیام بینه توبه کند ، حد ساقط نمی شود و هرگاه شخصی ، قبل از اقرار توبه کند ، شئی برای وی نیست و اگر بعد از اقرار توبه کند ، حاکم بین حد و عفو مخیر می باشد.

۶-۲ حد محاربه:

محاربه در قانون مجازات اسلامی ، عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان ، مال ، ناموس مردم یا ارباب آنها ، به طوری که موجب نا امنی در محیط گردد[4] .

جرم محاربه ، با یک بار اقرار و شهادت دو شاهد عادل ثابت می شود و حد آن از موارد زیر می باشد:

الف- اعدام ، ب- صلب ، ج- قطع دست راست و پای چپ ، د- نفی بلد . و اختیارش در دست قاضی می باشد.

1- شیخ طوسی در خلاف ، در این باره چنین می نویسد:

«المحارب اذا تاب قبل ان یقام علیه الحد ، سقط بلا خلاف و ان تاب بعد القدره علیه لا یسقط بلا خلاف و ما یجب علیه من حدود الادمیین فلا یسقط کالقصاص ، والقذف ، ضمان الاموال [5]» .

ترجمه : هرگاه محارب قبل از قیام بینه توبه نماید ، حد از او ساقط نمی شود ، بدون خلاف . و اگر بعد از قدرت به آن توبه



نماید ، بدون خلاف ساقط نمی شود . اما حقوق آدمی به هیچ وجه ساقط نمی گردد.

2-شهید اول و ثانی می گویند:

«و لو تاب المحارب قبل القدره عليه ، سقط الحد ، من القتل و القطع و النفي ... حق الآدمی من القصاص فی النفس و الجرح و المال . و التوبته بعد الظفر و لا اترلها فی اسقاط حد او غرم او قصاص[6]».

ترجمه : و اگر محارب قبل از قدرت بر آن توبه کند ، حد ساقط می شود ، قتل باشد یا قطع یا نفی بلد . ولی حقوق آدمی ، قصاص و مال ساقط نمی شود.

3-امام خمینی در این زمینه در تحریر الوسیله می نویسد:

«لو تاب المحارب قبل القدره عليه ، سقط الحد ... حقوق الآدمی ، من القتل و الجرح و المال . و لو تاب بعد ... عليه ، لم يسقط الحد[7]» ....

ترجمه : اگر محارب قبل از قدرت بر آن توبه کند ، حد ساقط می شود نه حقوق آدمی ، قتل ، جرح و مال و اگر بعد از دستگیری ، توبه نماید ، حد وی ساقط نمی شود.

4-آیت الله خویی در این باره چنین مرقوم می کنند:

«إذا تاب المحارب قبل ان يقدر عليه سقط عنه الحد . ولا يسقط عنه ما يتعلق به من الحقوق كالقصاص و المال و لو تاب بعد الظفر به لم يسقط عنه الحد كما لا يسقط غيره من الحقوق[8]».

ترجمه : هرگاه محارب قبل از دستگیری و آن توبه کند ، حد از وی ساقط می شود . ولی حقوق آدمی از قبیل قصاص ، مال ، ساقط نمی گردد و اگر بعد از دستیابی به او توبه نماید ، حد از او ساقط نمی شود . همان طوری که سایر حقوق ساقط نمی گردد.

5-محمد جواد مغنیه ، در این زمینه چنین مرقوم می کند:

«إذا تاب قاطع الطريق من تلقائ نفسه و قبل ان يقبض عليه سقط عنه الحد و بديهيه ان التوبه قبل الظفر تسقط عنه الحق العام فقط . اما الحقوق الخاصه للناس فلا تسقط و يطالب لها . و اذا تاب بعد القبض عليه و الظفر به فلا تجديد التوبه شيئا فی سقوط الحدود و العقوبه الدنيويه[9]».

ترجمه : و هرگاه راهزن از عمل خودش قبل از دستگیری توبه نماید ، حد ساقط می شود ، اما حقوق خاصه مردم از وی ساقط نمی شود و اگر بعد از قبض و دستگیری توبه نماید ، توبه وی در سقوط حد و عقوبت دنیوی فایده ای ندارد.

7-2حد سرقت:

معنای سرقت در قانون مجازات اسلامی عبارت است از ربودن مال متعلق به غیر می باشد [10]. سرقت موجب حد علاوه بر شرایط عامه ، دارای شرایط زیر نیز می باشد:

الف- شیء مسروق شرعا مالیت داشته باشد ، ب- مال مسروق در حرز باشد و حرز آن بصورت مخفیانه توسط سارق هتک شود ، ج- سارق ، پدر و جد پدری مسروق نباشد و ارزش مال مسروق در زمان اخراج از حرز ، معادل ۴/۵ نخود طلای مسکوک باشد . ت- مال مسروق از اموال دولتی یا عمومی ، وقف عام یا وقف بر جهات عامه نباشد . ث- صاحب مال از سارق نزد مرجع قضایی شکایت کند و قبل از اثبات ، وی را نبخشد . د- مال مسروق قبل از اثبات جرم ، تحت ید مالک قرار نگیرد و یا تحت مالکیت سارق در نیاید . و- مال مسروق از اموال سرقتی یا غصبی نباشد .

جرم سرقت با یک مرتبه اقرار و شهادت عدلین و علم قاضی ثابت می شود و حد آن در مرتبه اول قطع چهار انگشت ، در مرتبه دوم قطع پای چپ ، در مرتبه سوم حبس ابد و در مرتبه چهارم قتل می باشد.

1-علامه حلی در مختلف الشیعه می گوید:

«اذا تاب السارق بعد الاقرار جاز للامام عليه السلام العفو عنه و اقامه الحد عليه . حسب ما يراه في الحال ويجب عليه رد السرقة على كل حال [11]» .

ترجمه : هرگاه سارق بعد از اقرار توبه کند ، برای امام عليه السلام جایز است که وی را عفو کند و یا اینکه حد را برای وی اقامه کند بر طبق مصلحت و واجب است که مال مسروقه را در هر صورت رد نماید.

2-شهید اول و ثانی در این باره می نویسند:

«لو رجع عن الاقرار بالسرقة اختيارا بعد الاقرار مدتين لم يسقط الحد . و يكفي في الغرم للمال و المسروق و الاقرار به مره واحده . ولا قطع على السارق الا بمراقبه الغريم له و طلب ذلك من الحاكم و لو قامت عليه البينه بالسرقة و اقر مرتين [12]»

ترجمه : اگر از اقرار به سرقت بصورت اختیاری برگردد ، حد ساقط نمی شود و در پرداخت خسارت و بازگرداندن مل مسروقه ، یک بار اقرار کافیهست ، قطعی برای سارق نیست مگر اینکه صاحب مال پیش حاکم شرع رود و آنرا مطالبه کند ، اگرچه علیه وی بینه اقامه شود یا خودش دو مرتبه اقرار به سرقت کند

3-امام خمینی در تحریرالوسیله می نویسند:

«لو اقيمت البينه عند الحاكم او اقر بالسرقة عنده ، لو علم ذلك ، لم يقطع حتى يطالبه المسروق منه . فلو لم يرفعه الى الحاكم لم يقطعه و لو عفى عنه قبل الرفع ، سقط الحد . لو اقر مرتين ثم انكر فهل يقطع او لا . الاحوط ، الثاني و الارجح ، الاول . و لو انكر بعد اقرار مره ، يوخذ منه المال و لا يقطع . و لو تاب او انكر بعد قيام البينه يقطع و لو تاب قبل قيام بينه و قبل الاقرار ، سقط عنه الحد . و لو تاب بعد الاقرار يتحتم القطع و قيل : يتخير الامام عليه السلام بين العفو و القطع [13]» .

ترجمه : اگر بینه نزد حاکم اقامه شود ، یا اقرار کند به سرقت آن ، یا آن را امام علم داشته باشد ، قطع نمی شود . مگر اینکه شخص مسروق از او مطالبه کند . پس اگر پیش حاکم نرود ، دستش قطع نمی شود و اگر قبل از رفع ، عفو کند ، حد ساقط

می شود . اگر دو مرتبه اقرار کند و سپس انکار کند ، آیا دستش قطع میشود یا نه ؟ احوط ، دومی و ارجح ، اولی است . و اگر بعد از اقرار یک مرتبه انکار کند ، مال از او اخذ می شود و قطع نمی شود . و اگر توبه کند یا بعد از قیام بینه انکار کند ، قطع می شود . و اگر قبل از قیام بینه و قبل از اقرار ، توبه کند حد از او ساقط می شود . و اگر بعد از اقرار توبه کند ، قطع حتمی می شود . و گفته شده ، امام عليه السلام بین عفو و قطع مختار می باشد.

4-آیت الله خوئی در این باره چنین می نویسند:

«يسقط الحد بالتوبه ، قبل ثبوته و لا اثر لها بعد ثبوته بالبينه ، اما اذا ثبت بالاقرار ، ففي سقوطه بها اشكال ، و خلاف . و الاظهر ، عدم السقوط [14]» .

ترجمه : حد ساقط می شود با توبه قبل از ثبوت آن و اثری برای توبه بعد از ثبوتش با بینه نمی باشد . اما اگر با اقرار ثابت شود ، در سقوط آن اشکال و خلاف است و اظهار عدم سقوط آن می باشد.

5-محمد جواد مغنیه می نویسند:

«اذا تاب السارق من تلقاء نفسه و قبل ان ثبتت السرقة عليه عند الحاكم بالبينه او الاقرار فلا حد. و اذا تاب بعد الاقرار مرتين كان الحاكم مخيرا بين ان يقطع يده او يعفو عنه [15]» .

ترجمه : زمانی که سارق از عمل خودش ، قبل از اینکه سرقت با بینه یا اقرار پیش حاکم ثابت شود ، توبه نماید ، حدی نیست . و هرگاه بعد از قیام بینه ، توبه نماید ، حد ساقط نمی شود و حاکم حق عفو ندارد و هرگاه بعد از دو بار اقرار ، شخص توبه نماید ، حاکم شرع بین قطع ید و عفو وی مختار می باشد.

8-2بررسی نظرات و دیدگاه های علمای اهل سنت:

در آخر این فصل بطور اجمال ، نظرات و دیدگاه های علمای اهل سنت را ذکر می کنیم . به اتفاق مذاهب اربعه اهل سنت ، حدود ۴ عدد می باشد:

1- حد زنا ۲- حد قذف ۳- حد شرب خمر ۴- حد قطاع الطريق (محاربه)

صاحب الفقه علی المذاهب الاربعه ، در این باره چنین می نویسد:

1- حد زنا:

«من اقر بالزنا ثم رجع فی الاقرار ، اختلف الائمه فی حکمه الحنفیه و الشافعیه و الحنابله قالو : ان رجع المقر بالزنا فی قوله یقبل رجوعه و لا یقام علیه الحد». ۱

ترجمه : هرکس اقرار به زنا کند و سپس از اقرارش رجوع کند ، ائمه مذاهب چهارگانه ، در حکم آن اختلاف دارند و حنابل و شافعی می گویند : اگر مقر به زنا از اقرارش برگردد ، رجوعش قبول می شود و حدی برای وی اقامه نمیشود.

2- حد شرب خمر:

عبدالرحمن جریری در این باره چنین می نویسد : «و یسقط الحد قاطع الطريق ، اذا جاء المحارب الی الامام (علیه السلام) او نائبه طائعا تائباً قبل القدره علیه . اذا كان لم یقتل احدا . والا و جب قتله قصاصا ... ک اذا لم یعف ولی الدم و ان عفی ، سقط القصاص و لا یسقط احد الزنا و القذف و الشراب و القتل ، اذا تاب بعدها . بل یقام علیه الحد و لا یسقط حکم المحارب اذا تاب بعد القدره علیه» ۲

ترجمه : ساقط می شود حد محاربه ( راهزن ) زمانیکه محارب پیش امام یا نائبش ، بصورت اختیاری و با توبه قبل از دستگیری و دست یابی بر آن ، بیاید ، به شرطی که احدی را نکشته باشد . والا قتل وی از باب قصاص واجب است ، به شرطی که ولی دم عفو نکند و چنانچه ولی دم عفو کند ، قصاص وی ساقط می شود . و حد زنا و قذف و شراب و قتل ساقط نمیشود ، اگر توبه کند بعد از قیام بینه ، بلکه حد برای وی اقامه می شود و

همچنین حکم محارب ساقط نمی شود ، بعد از قدرت و دستیابی به آن توبه کند.

1. الفقه علی مذاهب الاربعه ، الجریری ، عبدالرحمان ، ج ۵ ، ص ۲۰۸

3- حد سرقت:

عبدالرحمن جریری ، در الفقه علی المذاهب الاربعه ، می گوید : «اتفق الائمه علی ان السارق اذا تاب عن السرقة ، توبه صالحه و ظهرت امارتها ، و ندم علی ما سقط عنه و عزم علی العود الی السرقة مره ثانیه ، فان الله التعالی ، یقبل توبته .» ۱

ترجمه : ائمه مذاهب اربعه ، اتفاق دارند که هرگاه سارق ، از سرقت توبه واقعی و نصح کند و نشانه های آن ظاهر شود و از افعال خودش پشیمان باشد و تصمیم جدی بر عدم برگشت به سرقت در آینده داشته باشد ، خدای متعال توبه اش را قبول می کند.

4- حد قذف:

عبدالرحمان جریری در این باره می نویسد : «الشافعیه و الحنابله : قالوا ان للمقذوف الحق فی ان یعفو عن قاذفه ویسقط بذلك العفو حد القذف» ۲

ترجمه : شافعیه و حنابله می گویند : همانا مقذوف حق دارد که از قاذف خودش بگذرد. و با این عفو و بخشش حد قذف ساقط می شود.

نتیجه کلی این است که علمای اهل سنت ، نیز قائل هستند که توبه مجرم قبل از اثبات جرم با بینه ، موجب سقوط حد است ولی بعد از آن ، تاثیری ندارد. اما توبه مجرم ، قبل از اثبات جرم با اقرار ، مطلقاً موجب سقوط حد مجازات می شود. ولی توبه مجرم ، در سقوط مجازات حد قذف تاثیری ندارد.

1- جریری ، عبدالرحمان ، الفقه علی المذاهب الاربعه ، ج ۵ ، ص ۲۰۴

عبدالرحمن ، جزیری ، الفقه علی مذاهب الاربعه ، ج ۵ ، ص ۳۶۴

1-3 مواردی که توبه باعث سقوط مجازات حد می شود.

توبه در همه مورد به غیر از قذف و محاربه، قبل از اثبات جرم و احراز اصلاح و ندامت متهم برای قاضی موجب سقوط حد می شود.

ماده ۱۱۴ ق.م.ا در این باره مقرر می دارد: «در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه» هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود حد از او ساقط می شود. ۱.

و همچنین در همه حدود غیر از قذف ، اگر متهم بعد از اثبات جرم با اقرار توبه نماید ، امکان تقاضای عفو وی توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری وجود دارد.

ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی ، مقرر می دارد : اگر جرائم موجب حد غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم ، دادگاه می تواند ، عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از رهبری در خواست نماید.

البته اگر در جرم زنا و لواط به عنف و اکراه و اغفال ، چنانچه حد وی با توبه مجرم ساقط شود مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه ۶ و یا هر دو محکوم می شود که تبصره ۲ همان ماده در این باره مقرر می دارد: در زنا و لواط، هرگاه جرم به عنف یا اکراه یا اغفال بزه دیده انجام می شود مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه ۶ یا هر دوی آنها محکوم می شود.

و همچنین در حد محاربه نیز ، توبه متهم قبل از دستگیری یا تسلط بر او ، موجب سقوط حد است . چنانچه تبصره یک ماده ۱۱۴ ق.م.ا به ان اشاره می کند

«توبه محاربه قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد می شود».

در جرم سرقت موجب حد (حبس ابد) اگر مرتکب در حین اجرای مجازات توبه کند و مقام رهبری آزادی او را مصلحت بداند با عفو ایشان از حبس ابد، آزاد می شود و هم چنین رهبری می تواند مجازات او را به تعزیر تبدیل کند. (تبصره ۲ ماده ۲۷۸ ق.م.ا)

1. قانون مجازات اسلامی .م. ۱۱۴

2-3 مواردی که توبه متهم، نقش و تأثیری در سقوط حد ندارد :

1- حد قذف با توبه ساقط نمی شود.

2- حد محاربه پس از دستگیری و تسلط بر او با توبه ساقط نمی شود

3- دیات و قصاص نیز با توبه متهم ساقط نمی شود م ۱۱۶

4- توبه متهم ، بعد از اثبات جرم با بینه مسقط حد نیست.

3-3 تأثیر توبه در جرائم تعزیری:

1- توبه متهم در جرائم تعزیری درجه ۸، ۷، ۶ موجب سقوط مجازات تعزیری می گردد.

تفاوت نمی کند که بعد از دستگیری باشد و یا قبل از دستگیری

2- توبه متهم در جرائم تعزیری درجه ۵-۱ موجب تخفیف مجازات تعزیری می گردد.

ماده ۱۱۵ ق.م.ا، مقرر می دارد : در جرائم تعزیری درجه ۸، ۷، ۶ چنانچه مرتکب

توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود مجازات ساقط می شود و در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.

3- البته مقررات راجع به توبه، در جرائم تعزیرات منصوص شرعی، اعمال نمی شود. ۱.

4- مقررات راجع به توبه، در تکرار جرایم تعزیری نیز جاری نمی‌شود.

5- ضمانت اجرای موضوع توبه، لغو اقدامات قبلی و تشدید مجازات تعزیری خواهد که این نکته در ماده ۱۱۷ ق.م.ا، پیش‌بینی شده است.

«در مواردی که توبه مرتکب موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، باید توبه و اصلاح و تربیت و ندامت وی برای قاضی احراز گردد و به صرف ادعای مرتکب اکتفاء نمی‌شود. چنان چه پس از اعمال مقررات راجع توبه ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده، سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجرا می‌گردد و این موارد چنان چه، مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حد اکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

6- مهلت ارائه ادله توبه توسط متهم به مقام تعقیب یا رسیدگی، قبل از قطعیت حکم می‌باشد. ماده ۱۱۸ مقرر می‌دارد: متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را به حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید.

نتیجه نهایی

از مجموع مطالب ارائه شده در این مقاله، مطالب زیر به عنوان نتیجه نهایی، استخراج و استنباط می‌گردد.

1- توبه در لغت به معنای رجوع و بازگشت و در اصطلاح به معنای پشیمانی قلبی از گناه و استغفار زبانی و ترک جوارحی و عزم جدی بر عدم انجام آن در آینده و انجام عمل صالح و جبران گذشته می‌باشد.

2- توبه، از آموزه‌های موکد قرآن کریم و احادیث اسلامی است و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، نیز این نهاد برای جلو گیری و پیش‌گیری از تکرار جرائم و اصلاح مجرمین پیش‌بینی شده است.

3- علماء و فقهای اسلام نیز بر وجوب توبه اتفاق نظر دارند و تاخیر و تسویف آن را جایز نمی‌دانند.

4- به اتفاق و اجماع فقهاء شیعه و اهل سنت، توبه متهم قبل از دستگیری و اثبات جرم، موجب سقوط مجازات حد می‌شود.

5- نقش توبه مجرم بعد از اثبات جرم با اقرار خویش، در میان فقها اختلافی و اکثر آنها قائل به عفو هستند. ولی اهل سنت قائل به سقوط مجازات هستند.

6- توبه مجرم، بعد از اثبات جرم با بینه، موجب سقوط مجازات حد نمیشود.

7- در قانون مجازات اسلامی نیز، توبه مجرم قبل از اثبات جرم و یا قبل از دستگیری و پس از احراز اصلاح و ندامت وی توسط قاضی در همه حدود به غیر قذف موجب سقوط مجازات حد می‌شود.

8- توبه متهم بعد از اثبات جرم با اقرار خویش، در همه حدود به غیر از قذف، زمینه عفو و بخشش متهم توسط مقام رهبری را فراهم می‌نماید.

9- توبه متهم در سقوط مجازات حد قذف، قصاص و دیات و منصوصات شرعی مطلقاً تأثیری ندارد.

10- توبه مجرم، در جرائم تعزیری ۶، ۷، ۸ نیز موجب سقوط مجازات و در سایر جرائم (۵-۱) موجب تخفیف مجازات می‌گردد.

### سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تبریز به خاطر حمایت معنوی و همکاری در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.  
از خانم شهلا ستوده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.  
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

## ۷- منابع

- 1- قرآن کریم: ترجمه ایت الله مکارم شیرازی. قم. انتشارات امیرالمومنین- ۱۳۷۸
- 2- ابن منظور ، محمد بن مکرّم. لسان العرب، بیروت ، موسسه علمی مطبوعات- ۱۴۲۶
- 3- حرّاعلمی، محمد بن حسن ، وسایل الشیعه ، بیروت موسسه ال البيت - ۱۴۰۹
- 4- خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله ، قم موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی- ۱۳۷۹
- 5- شهید ثانی، زین الدین ، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۴۲۱
- 6- مکارم شیرازی، ناصر ، انوارالفقاهه ، کتاب حدود و دیات ، قم ، مدرسه امام علی بن ابی طالب ۱۳۹۰
- 7- موسوی اردبیلی ، سید عبدالکریم ، فقه الحدود والتعزیرات، قم موسسه مفید ۱۴۱۷،
- 8- ساولانی ، اسماعیل ، حقوق جزای عمومی ، تهران ، انتشارات داد آفرین ۱۴۰۰،
- 9- عظیم زاده ، شادی ، حقوق جزای عمومی ، تهران، انتشارات دور اندیشان ۱۳۹۹،
- 10- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، انتشارات معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه ، روز نامه رسمی ۱۳۹۲
- 11- برهانی ، محسن ، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، تهران میزان ، ۱۳۹۴
- 12- هاشمی شاهرودی ، سید محمود و دیگران ، معجم فقه الجواهر، تهران ، میزان السان ۱۴۱۷
- 13- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، جلد ۱، قم، موسسه مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۷
- 14- اردبیلی ، محمد علی، حقوق جزای عمومی، نشر میزان ، تهران ، ۱۳۸۷
- 15- مصدق ، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی ، انتشارات جنگل ، ۱۳۹۶
- 16- نجفی، محمد حسن ، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱
- 17- صادقی، محمد هادی، نقش توبه در حدود تعزیرات ، تهران، پژوهشنامه حقوق کیفری ۱۳۹۲
- 18- بن فارس ، احمد ، مقایس اللغه ، بیروت ، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۲
- 19- راعب اصفهانی ، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قران، بیروت ، دار الکتاب العلمیه ، ۱۴۱۸
- 20- باهری، محمد ، حقوق جزای عمومی، انتشارات رهام ، تهران ، ۱۳۸۱
- 21- الجریزی ، عبدالرحمان ، الفقه علی مذاهب الاربعه ، ج ۵، انتشارات دار الکتب بیروت ۲۰۰۳ م
- 22- خوئی ، ابوالقاسم، مبانئ تکمله المنهاج، ج ۱. نشر آثار خوئی، ———
- 23- شیخ مفید، محمد بن محمد ، المقنعه، ناشر کنکره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳
- 24- مکارم شیرازی ، ناصر ، الحدود والتعزیرات ، ج ۱، تهران ، موسسه نشر امام خمینی، ۱۲۹۱
- 25- مغنیه ، محمد جواد ، فقه الامام صادق، نشر انصاریان بیروت ، ۱۴۰۰
- 26- شیخ صدوق، محمد بن علی ، المقنعه، قم ، موسسه امام هادی ۱۴۲۵

## The position of the institution of repentance in the fall of the punishment of hadd from the perspective of jurisprudence and law

**Ali Aghapour** PhD Student in Private Law, Faculty of Humanities  
and Law, Islamic Azad University, Isfahan Branch  
(Khorasgan), Isfahan, Iran.

**Yaqub Pourjamal** Assistant Professor, Department of Private Law,  
Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran

### Abstract:

The issue of repentance is one of the most important educational and moral teachings of the Holy Quran and Islamic traditions and has a special place and status in the holy Sharia of Islam. The truth of repentance is man's return to God, and it is a reaction on the part of man to his unworthy behavior, who has spent his life in divine sin. Recently, in the criminal law of Iran, the jurisprudential sources of the institution of repentance have been legislated to prevent the recurrence of crimes and the correction of criminals, and it has been dealt with in the eleventh chapter of the second part of the Islamic Penal Code approved in 1992. In this article, the concept of the importance and effects of the role of repentance in the fall of the hadd punishment from the perspective of jurisprudence and law, as well as the views and opinions of famous jurists are discussed. It is hoped that it will be noticed and studied by respected students and other interested parties.

**Keywords:** Repentance.Hadd Ta'zir .religious provisions the right of God and the right of the people .judicial and .legal excuses

### JEL Classification:

Thematic classification is the main problem of the research. This classification can be extracted from the site [http://www.jaml.ir/article\\_251231.html](http://www.jaml.ir/article_251231.html). Also, the Persian translation of this classification is available on the website of the Scientific Quarterly of Modern Jurisprudence and Law, in the "For Writers" section at [http://www.jaml.ir/article\\_251231.html](http://www.jaml.ir/article_251231.html).

---

\* Corresponding author: [aliaghapour65@gmail.com](mailto:aliaghapour65@gmail.com)